

اهل دوزخ

از منظر قرآن و عهد جدید

(قسمت اول)

ام‌البین باقری، کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

omolbanin.bagheri@yahoo.com

چکیده

نوشته حاضر، گزاره‌های تطبیقی قرآن و عهد جدید در باب اهل دوزخ است. اعتقاد به معاد و جهنم از مشترکات ادیان آسمانی است. همه ادیان آسمانی به سه اصل توحید، نبوت و معاد تأکید دارند. ایمان به معاد و رستاخیز و اعتقاد به بهشت و دوزخ، لازمه تصدیق انبیا و ایمان به خدا است، در اسلام کمتر موضوعی به اندازه مبدأ و معاد و حیات اخروی مورد توجه قرار گرفته است. هدف از این تحقیق، تبیین وجوه اشتراک و افتراق مسئله دوزخ در قرآن کریم و عهد جدید و بازتاب آن در اندیشه و عمل مسلمانان و مسیحیان و آماده سازی مبلغان دینی در جهت گفتگوهای بین ادیان می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، عهد جدید، دوزخ، عذاب، نار، اعمال.



مقدمه

یکی از موضوعاتی که در کتب ادیان آسمانی، به عنوان یکی از اعتقادات ادیان الهی، بیان شده است، بحث دوزخ می‌باشد که در ادیان مختلف، جایگاه بسیار مهمی دارد. اسلام ارکان و پایه‌های دین را بر سه اصل قرار داده است: توحید، نبوت و معاد. مهم‌ترین مسئله‌ای که پیامبران الهی بعد از اصل توحید، مردم را به آن دعوت نموده‌اند، ایمان به معاد و روز رستاخیز است. کسی که به این اصول، ایمان نداشته باشد، کافر است. اسلام به هیچ موضوعی به اندازه معاد و روز رستاخیز، بهشت و جهنم، که نتیجه عمل انسانها است، نمی‌پردازد. اعتقاد به بهشت و جهنم از ضروریات دین مقدس اسلام است و انکار و تردید آن دو، کفر محسوب می‌شود. قرآن کریم برای کسانی که در زندگی همیشه مراقب خود بوده و در انجام وظایف انسانی گام برداشته‌اند، بهشت جاوید را که تجلیگاه لطف و رحمت پروردگار رحیم است، به عنوان پاداش یادآور می‌شود و



برای افرادی که به صراط مستقیم پشت پا زده و در زندگی خود راه مخالفت با مقررات الهی را در پیش گرفته‌اند و خلاف آن گام برمی‌دارند، جهنم را به عنوان کیفر معرفی می‌کند، که مظهر قهر و غضب خداوند قهار است.

یکی از خصوصیات آتش دوزخ این است که بر خلاف آتش دنیا، بسیار سوزان و برافروخته الهی است. قرآن کریم در این باره چنین می‌فرماید: «وَمَا أَدْرَاكَ مَا هَيْبَةُ نَارٍ حَامِيَةٍ» (۱) «و تو چه می‌دانی آن چیست؟ آتشی سوزنده است». آتشی که حرارت آن شدید و گدازنده است (۲) و چندان حرارت آن بالا است که آتش دنیا یک جزء از هفتاد جزء آن است. (۳) آتشی است که گرمی و سوزش آن به غایت رسیده و دائم الحرارة است. (۴)

در حدیثی از امام صادق (ع)، تفاوت میان آتش دنیا و آخرت این‌گونه بیان شده است: این آتش دنیای شما، یک

جزء از هفتاد جزء «یک هفتادم» آتش دوزخ است که هفتاد بار به آب، آن را خاموش و بار دیگر روشن کرده باشند، باز شعله‌ور می‌گردد. (۵)

همچنین پیامبر (ص) در مورد حرارت دوزخ می‌فرماید: «این آتش دنیوی یک جزء از هفتاد جزء حرارت دوزخ است. اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا به خدا قسم همین آتش دنیا کافی بود. پیامبر (ص) فرمودند: شصت و نه برابر این آتش بر آن افزوده می‌شود». (۶)

دیگر ویژگی دوزخ، عظمت و بزرگی آن است که هیچ وقت پرتنشده و خواستار دوزخیان بیشتر می‌باشد. قرآن کریم به طور صریح در این مورد می‌فرماید: «يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلْ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ» (۷) «آن روز به جهنم گوئیم: آیا پر شدی؟ و گوید: آیا افزون [بر این] هم هست؟».

تفسیر آیه چنین آمده است: سؤال و جواب جهنم از باب تخیل است و هدف به تصویر کشیدن معنی در دل است که دو معنی دارد: ۱. با همه دامن‌دار بودن جهنم بر پری آن، چیزی افزوده نمی‌شود. ۲. جهنم آن اندازه وسعت دارد که در عین داخل شدن افراد، جای اضافی برای ورود دیگران دارد. (۸) تمام کفار، جن، انس، شیاطین، ضالین، مضلان، مبدعان، معاندان، مخالفان، منکران ضروریات دین و ظالمان، از اول تا آخر دنیا جهنم را پر نمی‌کنند؛ چون از غضب الهی خلق شده است. اگر مؤمنان جن و انس بلکه العیاذ بالله ملائکه هم مثل شیطان رانده شده بودند، جهنم جای آنها را هم داشت. با این توصیف، دوزخ این ظرفیت را دارد که خواستار بیشتری از اهل دوزخ باشد. (۹) پیروان مسیحیت مانند سایر ادیان آسمانی، اعتقاد به معاد و زندگی بعد از مرگ دارند. بنابراین در هر دو آیین اسلام و مسیحیت، باور بر این است که در ورای این عالم، عالمی وجود دارد که روح پس از جدایی از تن، در آن مسکن خواهد گرفت و این اصل در کتاب آنان به وضوح دیده می‌شود. از جمله مباحث مربوط به جهنم، وسعت آن می‌باشد که در عهد جدید به آن اشاره می‌نماید: «فقط با عبور از در تنگ می‌توان به حضور خدا رسید». جاده‌ای که به طرف جهنم می‌رود خیلی بیهن و دروازه جهنم نیز بسیار بزرگ است و همه به راحتی می‌توانند داخل شوند. (۱۰)

وصف آتش در انجیل مرقس چنین آمده است: «جایی که کرمهای بدن خوار هرگز نمی‌میرند و آتش هیچ‌گاه خاموش نمی‌شود». (۱۱) در انجیل لوقا، یحیی (ع) از آمدن مسیحی خیر می‌دهد که «او گاه را از گندم جدا کرده، آن را در آتشی که خاموشی نمی‌پذیرد، خواهد سوزانید و گندم را



در آتش ذخیره خواهد نمود» (۱۲) همچنین نویسندگان مسیحی همچون فرم و دیگران، از آتش خاموش ناشدنی سخن گفته‌اند: بدن محکوم سوزانده خواهد شد، ولی هرگز آتش خاموش نمی‌گردد. (۱۳)

برای نیل به این مقصود بایستی این کتب با هم مورد مقایسه و بررسی قرار گیرند. بنابراین مؤلف بر آن است تا با مقایسه بین دو کتاب قرآن و انجیل در موضوع دوزخ، نقاط افتراق و اشتراک آنها را بیان نماید.

اهل دوزخ در قرآن و عهد جدید

مهم‌ترین عاملی که باعث ورود به جهنم شده و استثناپذیر می‌باشد، عمل زشت است که صاحب خود را به همراه خویش به آتش جهنم می‌کشاند. در قرآن به این حقیقت مهم اشاره گردیده است.

۱) اصحاب شمال

الف) در قرآن

از جمله کسانی که وعده آتش دوزخ به آنان داده شده، اصحاب شمال می‌باشند. قرآن کریم در مورد آنان چنین می‌فرماید: «وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ» (۱۴) «و تیره بختان چه تیره بختانی!».

آنان کسانی هستند که از خط ایمان منحرف شدند و خداوند و پیامبران را رد کردند و به آنها ایمان نیاوردند و مرتکب گناه و معصیت در زندگیشان گردیدند. (۱۵) همین‌طور بیان شده است: آنان که پرونده اعمالشان به دست چپشان داده می‌شود، اصحاب دوزخند و این رمزی است برای آنان که گنهکار و آلوده و ستمگرند و جایگاه آنان دوزخ می‌باشد. این یک رسوایی برای آنان می‌باشد. (۱۶)

ب) در عهد جدید

کسانی که حضرت عیسی، آنان را اهل دوزخ نامید، به تعبیر انجیل متی به صورت ذیل معرفی شده‌اند: «پس به کسانی که در طرف چپ من قرار دارند، خواهم گفت: ای لعنت شده‌ها از اینجا بروید و به آتش ابدی داخل شوید که برای شیطان و ارواح شیطان آماده شده است» (۱۷)

۲) بت پرستان

الف) در قرآن

پرستش بتها، یکی از اسباب ورود به دوزخ می‌باشد، قرآن در این خصوص می‌فرماید: «إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ» (۱۸) «در حقیقت شما آنچه غیر از خدا می‌پرستید، هیزم دوزخید و همه در آن

وارد می‌شوید». آتش‌گیره جهنم و هیزمی که شعله‌های آن را تشکیل می‌دهد، شما و بتهایی که پرستش می‌کنید، سوخت جهنم و به قولی هیزم جهنم هستند (۱۹) این بتانی که به جای خدای تعالی پرستیده می‌شوند و بت پرستان می‌پندارند که از آنان رفع مسئولیت می‌کنند، به زودی هیزم دوزخ شوند و خوار و زبون بمانند. (۲۰) خداوند بت پرستان را با بت‌هایشان قرین ساخته و با هم ذکر کرده است؛ چون امید داشتند که نزد خدا برایشان شفاعت کنند. اینجا که کار بر عکس شده و (با عقوبتی که خدا برای آنها ذکر کرده) خلاف انتظارشان حاصل شده، چیزی نزدشان مغبوض‌تر از این معبودهای باطلشان نیست. (۲۱) اشاره به اینکه اول بتها را در آتش می‌افکنند، سپس شما بر آنها وارد می‌شوید، گویی خدایانشان با آتشی که از وجودشان برمی‌خیزد، از شما پذیرایی می‌کنند. فلسفه انداختن بتها در جهنم، یک نوع عذاب و مجازات برای بت پرستان است که ببینند در آتشی که از بت‌هایشان زبانه می‌کشد، می‌سوزند، از این گذشته تحقیری برای افکار آنها است که به چنین موجودات بی‌ارزشی پناه می‌برند. (۲۲)

ب) در عهد جدید

اناجیل، پرستش بتها را عمل ناپسند و عاملان به آن را از جمله وارد شوندگان به دوزخ دانسته‌اند: «آن‌گاه به جای اینکه خدای بزرگ و ابدی را بپرستند، بت‌هایی از چوب و سنگ به شکل انسان فانی، پرندگان، چهارپایان و خزندگان می‌سازند و آنها را می‌پرستند» (۲۳)

حضرت عیسی (ع) در مورد این گروه چنین می‌فرماید: «ولی ترسوها که از پیروی من رو برمی‌گرداندند و کسانی که به من ایمان ندارند، فاسدان، قاتلان، زناکاران، جادوگران، دروغگویان و کسانی که به جای خدا بت می‌پرستیدند، جای همه در دریاچه‌ای است که با آتش گوگرد می‌سوزند، این همان مرگ دوم است» (۲۴)

۳) دروغگویان

الف) در قرآن

یکی از صفات اخلاقی که در قرآن مورد نکوهش قرار گرفته، دروغ گفتن است و آن شامل شهادت دروغ، (۲۵) قسم دروغ (۲۶) و دروغ بستن به خدا (۲۷) می‌باشد. قرآن در آیات فراوانی به این امر اشاره کرده و سرانجام بسیار دردناکی را برای آنان، در نظر گرفته است، می‌فرماید: «وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ» (۲۸) «و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند، می‌بینی روهایشان سیاه

است، آیا سرکشان را جای در دوزخ نیست؟».

زشت‌ترین نوع دروغ که در آیات قرآن، تأکید فراوانی به آن شده، دروغ بستن نسبت به خدا است که به چند صورت می‌باشد: ۱. برای خدا شریک قرار دادن ۲. فرشتگان را فرزند خدا دانستن ۳. کار زشت خود را به خدا نسبت دادن و ادعای خدایی و پیغمبری کردن ۴. تحریف و بدعت در قوانین الهی ۵. رد حکم الهی مانند حلال خدا را حرام و حرام او را حلال دانستن. بنابراین نسبت دهندگان دروغ به خدا، شامل گروههای متعددی می‌شود مانند تمام مشرکانی که توحید را تکذیب کردند، تمام کفاری که انبیا را تکذیب کردند، تمام مخالفانی که اوصیا را تکذیب کردند، تمام مبدعانی که بدعت گزارند و به خدا نسبت دادند، تمام منکرانی که پاره‌ای از احکام الهی را رد کردند و منکر شدند و تمام مضلّان که دیگران را در ضلالت انداختند و تمام ضالّینی که ضلالت را اختیار کردند. (۲۹) قرآن به کسانی که به خدا نسبت دروغ می‌بندند، وعده روسیاهی در قیامت و آتش جهنّم را می‌دهد. در قیامت دروغگویان از چهره‌هایشان تمییز داده می‌شوند؛ زیرا خداوند آنان را روسیاه محشور خواهد نمود.

ب) در عهد جدید

دروغ (۳۰) در اناجیل یکی از صفات ناپسند و اسباب ورود به دوزخ است و این تعبیر در نامه تیطوس چنین آمده است: «کسی که دلش پاک است، همه چیز را پاک و خوب می‌بیند؛ اما کسی که دلی سیاه دارد و بی‌ایمان است، همه چیز را ناپاک و بد می‌بیند؛ چون همه چیز را از دریچه افکار ناپاک و وجدان آلوده خود می‌بیند. این‌گونه انسانها ادعا می‌کنند که خدا را خوب می‌شناسند، اما اعمالشان ثابت می‌کند که دروغ می‌گویند؛ ایشان چنان سرکش و منحرف هستند که قادر به انجام هیچ کار خوبی نمی‌باشند.» (۳۱) در انجیل، دروغگو به کسی گفته می‌شود که حقیقت الهی آشکار شده در عیسی (ع) را نادیده گرفته باشد؛ چنان که در اول انجیل یوحنا آمده است: «دروغگوی واقعی کیست؟ هر که بگوید عیسی (ع) همان مسیح نیست، دروغگو است؛ این همان دجال است؛ زیرا نه به خدای پدر ایمان دارد و نه به فرزند خدا.» (۳۲) دروغگویان در اناجیل شامل رسولان کاذب (۳۳) انبیای دروغین (۳۴) مسیحان کاذب (۳۵) و معلمان کاذب (۳۶) می‌باشند و کیفیّت آنان سقوط در آتش جهنّم است. چنانچه در انجیل آمده است: «قبل از آمدن مسیح، مردی خبیث ظهور می‌کند و مردم را از راه راست منحرف کرده و راه جهنّم را در پیش روی مردم قرار می‌دهد. این مردم حقیقت را دوست ندارند و آن

را نمی‌پذیرند تا نجات یابند از این رو خداوند اجازه خواهد داد تا با تمام وجود این دروغها را باور کنند. در نتیجه، تمام کسانی که دروغ را پذیرفتند و راستی را رد نمودند و از گناه لذت بردند، به حق محکوم خواهند بود.» (۳۷) عیسی (ع) از این عمل ناپسند نهی فرموده است: «دیگر به هم دروغ نگویید؛ بلکه گفتارتان همیشه راست باشد؛ زیرا ما اعضای یکدیگریم و اگر دروغ بگوییم، در واقع به خودمان لطمه می‌زنیم.» (۳۸)

۴) دنیاپرستان

الف) در قرآن

کسی که به فکر دنیا و زندگانی و لذتهای مادی آن باشد و تمام اعمال، رفتار، فکر و ذکر خود را به دنیا منحصر کند و اصلاً به فکر آخرت نباشد، فقط از دنیا بهره می‌برد، ولی در آخرت هیچ سهمی نخواهد داشت؛ زیرا برای آخرت کاری نکرده است. یکی از اسباب ورود به دوزخ، همین دنیاطلبی و زراندوزی است. بنابراین خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ» (۳۹) «همانا آنان پیش از این خوشگذران [و غافل از آخرت] بودند».

«مترفین به طبقه‌ای از بزرگان مرفه در هر جامعه‌ای اطلاق می‌شود که ثروت و خدمتکاران بسیاری در اختیار دارند و غرق در خوشبها و راحتی دنیا هستند و از سیادت و آقایی برخوردارند، همینها سبب گردیده تا آنان را به تن پروری، آلودگی اخلاقی و فسق و فجور سوق دهد، به گونه‌ای که مقدّسات و ارزشها را تحقیر کنند و نوامیس و حرمتها را زیر پا گذارند و اگر کسی آنها را از کارشان باز ندارد، در زمین فساد به راه می‌اندازد و در میان مردم فحشا و زشتی را اشاعه می‌دهند و ارزشهای معنوی را که زیربنای هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد، بی‌اعتبار می‌سازند.» (۴۰)

ب) در عهد جدید

از جمله مسائلی که اناجیل به آن تأکید می‌کنند، ثروت می‌باشد و اهمیّت مسئله تا آنجا است که ثروت اندوزی را نهی فرموده و این تعبیر در نامه عبرانیان چنین آمده است: «از پول دوستی بپرهیزید و به آنچه دارید، قانع باشید؛ زیرا خدا فرموده است: شما را هرگز تنها نخواهم گذارد و ترک نخواهم نمود.» (۴۱) همچنین ثروت اندوزی موجب ورود به جهنّم می‌شود و این تعبیر در نامه اول تیموتائوس بیان می‌گردد: «انان که به دنبال ثروت اندوزی می‌دوند، دیر یا زود، دست به کارهای نادرست می‌زنند، این کارها به خود ایشان صدمه زده، فکرشان را فاسد می‌کند و سرانجام ایشان را راهی جهنّم خواهد ساخت.» (۴۲) نمونه‌ای از وضعیت این



گروه، در داستان ایلعازر و مرد ثروتمند است: «وقتی مرد ثروتمند، از دنیا رفت و روحش به دنیای مردگان پیوست، ابراهیم را دید که به او گفت: فرزندم! به خاطر بیاور که تو در دوران زندگی هر چه می‌خواستی داشتی، اما ایلعازر از همه چیز محروم بود، پس حالا او در آسایش است و تو در عذاب.» (۴۳) در میان یهودیان عهد جدید، این نظریه وجود داشت که ثروت، نشان دهنده لطف و رحمت خاص خدا و فقر نشانه بی‌ایمانی و خشنودی است. (۴۴) از نظر حضرت، ثروت مانعی برای شاگردی او است (۴۵) و ثروتمندان به دست تمایلات مضر گرفتار می‌شوند. (۴۶) و این مسئله داخل شدن آنها را به ملکوت، بسیار دشوار می‌کند. (۴۷)

همین دنیا به آنها می‌دهیم و چیزی از آن کم داده نمی‌شوند. اینان کسانی هستند که در آخرت جز آتش برایشان نخواهد بود و آنچه در دنیا انجام داده‌اند بر باد رفته و آنچه عمل می‌کردند باطل است.»

آنسان که عمل را به خاطر دنیا انجام می‌دادند، نتیجه آن محدود به دنیا می‌باشد و در قیامت اثری از آن عمل نیست؛ زیرا آنها در دنیا هر چه کرده‌اند از بین رفته و استحقاق ثوابی در مقابل اعمالشان ندارند؛ چون عمل آنها بر خلاف دستورهای الهی و برای جلب نظر دیگران بوده است، برای غیر خدا بوده و هدر و باطل است. پس آنان ریاکارانند که ثواب و پاداشی جز آتش دوزخ ندارند. (۴۹)

ب) در عهد جدید

کسانی که اعمالشان را فقط برای دنیا انجام می‌دهند و نیت آنان خالص نیست، در آخرت مستحقّ اجر و پاداش نمی‌باشند؛ بلکه سزاوار مجازات آتش دوزخ هستند. در انجیل متی در مورد مجازات ریاکاران چنین آمده است: «مراقب باشید که اعمال نیک خود را در انظار مردم انجام ندهید، تا شما را ببینند و تحسین کنند؛ زیرا در این صورت نزد پدر آسمانیتان اجری نخواهید داشت. هرگاه به فقیری کمک می‌کنی، در هر محفلی درباره کار نیک خود داد سخن سرنده، چون به این ترتیب، اجری را که بایست از خدا بگیری، از مردم گرفته‌ای، اما وقتی به کسی صدقه‌ای می‌دهی، نگذار حتی دست چپ از کاری که دست راستت

۵) ریاکاران الف) در قرآن

کلید صحت قبول عبادات، قصد قربت می‌باشد. هر عملی بدون قصد قربت باطل است. آنان که کاری را به خاطر دنیا و جلب توجه انجام می‌دهند، مرتکب ریا شده‌اند. قرآن کریم این عمل را مورد نکوهش قرار داده و جایگاه آنان را دوزخ معرفی کرده است: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَ حَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَ بَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (۴۸) «هر که زندگی این دنیا و تجمل آن را بخواهد [مزد] اعمالشان را به تمامی در



می‌کند، آگاه شود، تا نیکویی تو در نهان باشد. آن‌گاه پدر آسمانی که امور نهان را می‌بیند، تو را اجر خواهد داد و اما درباره دعا، هرگاه دعا می‌کنی، مانند ریاکاران نباش که دوست دارند در عبادتگاهها یا در گوشه و کنار خیابانها، نماز بخوانند، تا توجه مردم را به خود جلب کنند و خود را مؤمن نشان دهند. مطمئن باش اجری را که باید از خدا بگیرند، همین جا از مردم گرفته‌اند. اما تو هرگاه دعا می‌کنی، در تنهایی و در خلوت دل، پدر آسمانی را عبادت نما و او که کارهای نهان تو را می‌بیند، به تو پاداش خواهد داد.» (۵۰) در مورد علمای دینی و فریسیان نیز چنین آمده است: «وای به حال شما ای علمای دینی و فریسیان! (۵۱) چقدر ریاکارید؟ نه می‌گذارید دیگران به ملکوت خداوند وارد شوند و نه خود وارد می‌شوید. نماز خود را عمداً طولانی می‌کنید، تا مردم شما را دیندار بدانند، ولی دور از چشم دیگران، اموال بیوه‌زنان بیچاره را می‌خورید. ای دوروها! وای به حال شما! همه جا را زیر پا می‌گذارید، تا کسی را پیدا کنید که مرید شما شود و وقتی موفق شدید، او را در برابر بدتر از خودتان، سزاوار جهنم می‌سازید.» (۵۲) / انجیل لوقا در مورد مجازات ریاکاران چنین بیان می‌کند: پس در حالی که جمعیت به او گوش می‌دادند، رو به شاگردان خود کرد و گفت: «از این علمای متظاهر دوری کنید که دوست دارند به قباهای بلند، خودنمایی کنند و به هنگام عبور از کوچه و بازار، مردم به ایشان تعظیم کنند؛ و چقدر دوست دارند که در عبادتگاهها و جشنهای مذهبی، بالای مجلس بنشینند! اما حتی وقتی دعاهای طولانی می‌کنند و تظاهر به دینداری می‌نمایند، تمام هوش و حواسشان به این است که چگونه اموال بیوه‌زنان را تصاحب کنند، از این رو مجازات آنان بسیار شدید خواهد بود.» (۵۳) عیسی (ع) به ایشان فرمود: «شما در ظاهر، لباس تقوا و دینداری به تن دارید، اما خدا از باطن شریرتان باخبر است. تظاهر شما باعث می‌شود که مردم به شما احترام بگذارند، اما بدانید که آنچه در نظر انسان با ارزش است، در نظر خدا مکروه و ناپسند است.» (۵۴)

۶) ریختن خون بی‌گناهان

الف) در قرآن

احترام به خون انسان در اسلام، تا آنجا است که ریختن خون یک انسان، برابر کشتن همه انسانها شمرده شده است و زشتی و ناپسندی آن عمل تا آنجا است که به عنوان یکی از عوامل ورود به دوزخ عنوان شده است. قرآن می‌فرماید: «مَنْ أَجَلَ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن

قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادًا فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعْدَ ذَٰلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ» (۵۵) «به همین جهت بر فرزندان اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس، دیگری را جز به انتقام قتل یا فساد در روی زمین بکشد، مانند آن است که همه مردم را کشته باشد، و هر که شخصی را از مرگ نجات دهد، گویی همه مردم را زنده کرده است. و البته فرستادگان ما حجت‌های روشن برای آنها آوردند، اما بسیاری از آنها پس از آن، در زمین تعدی و زیاده‌روی کردند.»

علت بیان چنین واقعیتی این بود که از قتل و خون‌ریزی برحذر باشند و بدانند که این کار به قدری گناه است که گویی همه را کشته‌اند. (۵۶) پس بنابراین هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته است. (۵۷) بله، ریختن خون مؤمن سبب عذاب ابدی و غضب الهی شمرده شده است. قرآن در آیه دیگری می‌فرماید: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» (۵۸) «و هر که مؤمنی را به عمد بکشد، سزایش جاودانه دوزخ است و خدا بر او خشم گیرد و لعنتش کند و برای او عذابی بزرگ مهیا کرده است.»

هر کس مؤمنی را عمداً به قتل برساند، خداوند متعال کیفر چنین قاتلی را، علاوه بر ورود به جهنم، جاودانه بودن در عذاب و دوری از رحمت و اسعه خود و همچنین مورد غضب و لعن الهی قرار گرفتن و نیز عذابی عظیم، در نظر گرفته است. (۵۹) علاوه بر موارد فوق، قاتلان پیامبران از جمله کسانی هستند که در قرآن کریم به ورود آنان به دوزخ اشاره شده است: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ» (۶۰) «کسانی که آیات الهی را انکار می‌کنند و به ناحق پیامبران را می‌کشند و مردمی را که به عدالت فرمان می‌دهند، به قتل می‌رسانند، آنها را به عذابی دردناک بشمارت ده. آنها کسانی هستند که در دنیا و آخرت اعمالشان به هدر رفته و برای آنان هیچ یآوری نخواهد بود.»

کیفر کسانی که پیامبران را به ناحق کشتند و آنان را که از برنامه‌های پیامبران دفاع می‌کردند و مردم را به عدالت دعوت می‌نمودند، به قتل رساندند، عذاب دردناک آتش است. علاوه بر این، به نابودی اعمال آنان در دنیا و آخرت و همچنین عدم نصرت آنان از عذاب الهی تأکید شده است.



(۶۱) در حدیثی از ابو عبیده جراح روایت شده است: «از پیامبر (ص) پرسیدند: روز قیامت عذاب چه کسی سخت تر خواهد بود. گفت: آن که پیغمبری را کشت». (۶۲)

ب) در عهد جدید

یکی از مهم ترین مسائلی که در اناجیل به آن تأکید شده است، قتل می باشد و عاملان به آن یکی از واردشوندگان به جهنم بیان شده اند و این تعبیر در رساله رومیان، در مورد وظیفه مسیحیان نسبت به مردم، چنین آمده است:

«اگر همسایه و همنوع خود را به همان اندازه دوست بدارید که خود را دوست می دارید، هرگز راضی نخواهید شد که به او صدمه بزنید، یا فریبش دهید، یا او را به قتل برسانید و یا مالش را بدزدید؛ و هرگز به زن و به اموال او چشم طمع نخواهید دوخت؛ خلاصه، هیچ یک از کارهایی را که خدا در ده فرمان منع کرده است، انجام نخواهید داد. بنابراین، ده فرمان در این فرمان خلاصه می شود که همسایه خود را دوست بدار، به همان اندازه که خود را دوست می داری». (۶۳) اهمیت این مسئله تا آنجا است که انجام آن، در حقیقت زیر پا گذاشتن احکام خداوند بیان شده و در مورد نامه یعقوب چنین آمده است: «زیرا همان خدایی که گفت: زنا نکنید، این را نیز گفت که قتل نکنید. پس اگر زنا نکنید، اما مرتکب قتل شوید، به هر حال از حکم خدا سرپیچی کرده اید و در برابر او مقصر می باشید». (۶۴) در مکاشفه ذکر می گردد: «حضرت عیسی بیان می دارد: ترسوهایی که از پیروی من رو برمی گردانند، کسانی که به من ایمان ندارند، فاسدان، قاتلان، زناکاران، جادوگران، دروغگویان و کسانی که به جای خدا بت می پرستیدند، جای همه در دریاچه ای است که با آتش گوگرد می سوزد. این همان مرگ دوم است». (۶۵)

۷) زناکاران

الف) در قرآن

در بسیاری از آیات قرآن به این نوع از گناهان کبیره اشاره شده است، این گناه موجب سقوط در آتش دوزخ می شود؛ زیرا شیوع آن، اثرات جبران ناپذیری بر جامعه، افراد و جوانان وارد می کند. قرآن کریم زشتی عمل زنا را به مسلمانان هشدار می دهد و چنین می فرماید: «وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا (۶۶) يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يُخَلَّدُ فِيهِ مُهَانًا» (۶۷) «و کسانی اند که با خدا معبود دیگری نخوانند، و کسی را که خدا [خونش را] حرام کرده جز به حق نکشند، و زنا نکنند. و هر کس

چنین کند عقوبت [گناه خود] را خواهد دید. برای او در روز قیامت عذاب دو چندان می شود و تا ابد با خواری در آن می ماند».

آنها که مرتکب گناهان کبیره مانند قتل نفس و زنا می شوند، مخلد در دوزخ می باشند. آیه فوق مؤمنان را چنین معرفی می کند: اینان کسانی هستند که مرتکب شرک و قتل نفس نمی شوند، اگر کسی هر سه این گناهان را مرتکب شود، مخلد در آتش است، مانند کفار که به همه آنها مبتلا بودند. (۶۸)

در روایات ائمه (ع) به زشتی و ناپسندی این عمل تأکید شده است: رسول خدا (ص) در حدیثی می فرماید: «چهار چیز است که هر کدام در خانه ای رخنه کند، ویرانش کند و به برکت آباد نگرده: خیانت، دزدی، می خواری و زنا». (۶۹)

ب) در عهد جدید

در اناجیل مانند ادیان دیگر، زنا مورد نکوهش قرار گرفته است؛ آنجا که عیسی (ع) به یاران خود می فرماید: «شنیده اید که به اولین گفته شده است «زنا مکن» لیکن من به شما می گویم، هر کس به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است». (۷۰) آیات فراوانی در انجیل به زنا اشاره کرده و مجازاتی را برای زناکاران در نظر گرفته است، ولی عیسی (ع) به واسطه رحمت خود، زن زناکار را نجات می دهد، بدین گونه که او دیگران را به دلیل آنکه خودشان گناهکار هستند از سنگسار کردن زن بازمی دارد. (۷۱) مسیح (ع) مجازات زنا را راه نداشتن در ملکوت مسیح و خدا بیان کرده و فرموده است: «هنگامی که از امیال و خواسته های نادرست خود پیروی می کنید، این گناهان، وارد زندگی شما می شوند: زنا، انحرافات جنسی و بی عفتی، بت پرستی و جادوگری، احضار ارواح، دشمنی و دو به هم زنی، کینه توزی و خشم، خود خواهی و نفع طلبی، شکایت و انتقاد و بهانه جویی، در اشتباه دانستن دیگران و بر حق شمردن خود و اعضای گروه خود، حسادت، آدم کشی، مستی و عیاشی و چیزهایی از این قبیل. همان طور که قبلاً هم اشاره کردم، باز تکرار می کنم هر که این چنین زندگی کند، هرگز در ملکوت خدا جایی نخواهد داشت». (۷۲) در مکاشفه، جایگاه زناکاران، دوزخ معرفی شده است. (۷۳)

۸) شیطان و تابعان او

الف) در قرآن

خداوند درباره آنان که وعده های شیطان را جامه عمل می پوشانند و به اطاعت و سرسپردگی در برابر وسوسه های او ملزم می شوند، می فرماید: «وَ لَا ضَلِيلَهُمْ وَ لَا مُمِینَهُمْ وَ

اولیه انسان، توحید و یکتاپرستی و هرگونه خصلت و خوی پسندیده‌ای را قرار داده است، ولی وسوسه‌های شیطانی و هوی و هوسها، انسان را از این مسیر صحیح منحرف می‌سازد و به بیراهه‌ها می‌کشاند. (۷۷) خداوند به آنان که از شیطان اطاعت و پیروی می‌کنند، وعده دوزخ داده است که هیچ راه فراری از آن ندارند. (۷۸)

گفت صدق دل بیاید کار را / ریز یاران کم نیاید یار را
یار شو تا یار بینی بی‌عدد / زانکه بی یاران بمانی بی‌مدد
دیو گرگ است و تو همچون یوسفی / دامن یعقوب مگذار
ای صفی (۷۹)

ب) در عهد جدید

اناجیل اربعه، ورود شیطان و پیروان او را به دوزخ اشاره می‌نمایند. این تعبیر در مورد آنان چنین آمده است: «پس از پایان هزار سال، شیطان از زندان آزاد خواهد شد. او بیرون خواهد رفت تا قومهای گوناگون، یعنی یاجوج و ماجوج را فریب داده و برای جنگ متحد سازد. آنان سپاه عظیمی را تشکیل خواهند داد که تعدادشان همچون ماسه‌های ساحل دریا، بی‌شمار خواهد بود. سپس شیطان که ایشان را فریب داده بود، به دریاچه آتش افکنده خواهد شد. دریاچه آتش همان جایی است که با گوگرد می‌سوزد و آن جاندار خبیث و پیامبر دروغین او شبانه روز تا ابد، در آنجا عذاب می‌کشند». (۸۰)

لَا مَرْنَهُمْ فَلْيَبْتِكُنْ أَذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْنَهُمْ فَلْيَغْبِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ
وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرًا مُّبِينًا
يَعْدُهُمْ وَيَمْنِيهِمْ وَ مَا يَعْدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا أُولَئِكَ
مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا: (۷۴) «و البته
گمراهشان می‌کنم و آرزوهای باطل در دلشان می‌افکنم و
به آنان فرمان می‌دهم تا گوشه‌های چهارپایان را بشکافند.
و به آنان فرمان می‌دهم تا خلقت خدا را دگرگون سازند.
و هر کس که به جای خدا شیطان را به دوستی برگزیند،
زیانی آشکار کرده است. به آنها وعده می‌دهد و به آرزوشان
می‌افکند و شیطان آنان را جز به فریب وعده ندهد. مکانشان
در جهنم است و در آنجا راه گریزی نخواهند یافت.»

شیطان برای گمراه کردن انسان، وعده‌های بسیاری می‌دهد که در درجه اول می‌گوید: من انسانها را از راه سرگرم کردنشان به پرستش غیر خدا و ارتسکاب گناهان، گمراه خواهم کرد. (۷۵) آنان را با اشتغال به آمل و آرزوهایی که از اشتغال به واجبات زندگیشان باز بدارد، فریب می‌دهم تا آنچه را که برایشان مهم و حیاتی است به خاطر آنچه مرسوم و خالی از واقعیت است، رها کنند. برخی هم گفته‌اند یعنی آرزوها و هوسهای باطل در دل ایشان می‌افکنم و شهوات و زیورهای دنیا را در نظرشان می‌آرایم و هر کسی را به هرچه دلخواهش هست، فرامی‌خوانم تا از اطاعت خدا بازماند و به دنبال معصیت برود. (۷۶) وعده دیگر شیطان این است که دین خدا را تغییر دهد. خداوند در نهاد

پی‌نوشتها

- پی‌نوشتها و کتابنامه این مقاله در پایان قسمت دوم درج خواهد شد.

